

پانویس‌های فصل هشتم

۱. بین انباشت سرمایه و پس‌انداز تفاوت مهمی وجود دارد. پس‌انداز (یعنی مصرف نکردن) شرط لازم برای انباشت است، اما در عین حال پس‌انداز ضرورتاً "انباشت" (یعنی پس‌انداز برای مصرف آینده) نیست.
2. Sutcliffe. B. British Capitalism (London 1974) Penguin. P. 16.
3. Strategic Survey, 1973 (London, 1974), P.1.
4. Economist Review, Oil in the Middle East No. 1. 1976.
5. Ibid.
۶. متوسط واردات ماهانه نفتی آمریکا از حاورمیانه در ۱۹۷۵، ۱/۶۱۹ میلیون دلار بوده است. این رقم در همان سال بیش از مجموع بهای نفت وارداتی فرانسه و آلمان که حدود ۱۵۰۰ میلیون دلار بود می‌باشد. نقل از
۷. روزنامه هرالد تریبون. جمعه ۲۷ دسامبر ۱۹۷۴
۸. مجله بانک مرکزی شماره‌های ۶-۱۵۴
9. U.N. Statistical year book 1975. PP. 18-21.
- الف. باسیمیای کسورهای جنس بوده‌ای، کره شمالی و ویتنام شمالی توضیح: در آمارهائی که در این فصل آورده شده، آمار مربوط به کشورهای سوسیالیستی منظور شده است.
10. U.N. Statistical Yearbook 1968. U.N. Yearbook of National Accounts Statistics 1968 World Economic Survey 1970.
11. U.N. Yearbook of National Accounts Statistics 1969. Statistical Yearbook 1970. World Economic Survey 1967-1970. Economic

Survey for Asia and the Far East 1967.

12. Golsmith R.W. The Financial Development of Mexico Paris 1965, P. 47.
۱۳. محسوب‌الحق The Strategy of Economic Planning ص ۴۷.
۱۴. صندوق بین‌المللی پول جلد ۱۴ شماره ۱۳ نوامبر ۱۹۶۷ ص ۴۵۸.
15. French-Davis, Foreign Investment in Latin America Recent Trends and Prospects. 1971.
16. Manser. W.A. The Financial Role of Multinational Enterprises. (London 1973) P. 52.
۱۷. در اینجا مسئله صرفاً " از لحاظ رشد اقتصادی مورد نظر است، نه از لحاظ نحوه توزیع درآمد ملی. رشد اقتصادی در بیشتر کشورهای جهان سوم موجب تمرکز ثروت در دست‌های معدود و در نتیجه عمیق‌تر شدن فاصله طبقاتی گردیده است.
18. U.N. Yearbook of National Accounts Statistics 1969. Vol.2. New York P. 131.
19. U.N. Statistical Yearbook 1969. Economic Survey for Asia, Africa and Latin America 1966.
20. Chanery. H.B. Growth and Structural Change Vol. 8. No. 3. Sept. 1971. PP. 25-6.
21. U.N. Statistical Yearbook 1975. PP. 10-14.
22. Ibid. PP. 30-32.
23. Ibid. PP. 30-32.
24. U.N. World Industrial Survey 1938-1961. PP. 242-243. Monthly Bulletin. November 1969.

25. U.N. World Economic Survey, Part one P. 61.
26. U.N. Statistical Yearbook 1975. PP. 48-50.
27. Ibid, 36-40.
28. U.N. Statistical Yearbook 1962. Yearbook of International Trade Statistics 1961.
29. U.N. Monthly Bulletin of Statistics. November 1965, P. XL VII. November 1971. P. XXIV.
30. U.N. Statistical Yearbook 1975. P. 56.

منابع عمدہ خارجی

- Amin, S. Unequal Development, Monthly Review Press 1976.
- Baran, P. The Political Economy of Growth. Monthly Review Press 1962.
- Brown, M.B. Economic of Imperialism, Penguin. 1974.
- Dobb, M. Political Economy and Capitalism, London: Routledge and Kegan Paul 1946.
- Emmanuel, A. Unequal Exchange: a Study of the Imperialism of Trade; New Left Books 1972.
- Frunk, A.G. Capitalism and Underdevelopment in Latin America (New York 1969).
- Gamble, A. Walton, P. Capitalism in Crisis London 1976.
- Macmillan Hobson, J.A. Imperialism - a study (London).
- Hodgart. A. The Economic of European Imperialism (London 1977).
- Kay. G. Development and Underdevelopment - (London 1975).
- Kemp, T. Theories of Imperialism. London 1969.
- Luxemburg, R. The Accumulation of Capital London.

Routledge and Kegan.

Murry. R. The Internationalization of Capital and the Nation State. *New Left Review*, No. 67, 1971.

Palloix. C. The Internationalization of Capital and the Circuit of Social Capital. Maspero 1973.

Radice, H. (editor) International Firms and Modern Imperialism, London 1975 Penguin.

Rhodes. R.I., (editor) Imperialism and Underdevelopment New York 1970.

Schumpeter, J. Imperialism and Social Classes. London 1951.

Sutcliffe. B. Theories of Imperialism (London).

Sweezy, P. Theory of Capitalist Development. New York 1968.

Monopoly Capitalism and other Essays New York 1972.

Tugendhat, C. The Multinationals. London 1974 Penguin.

Warren. B. The Internationalization of Capital and the Nation State- A comment *New Left Review*. No. 68, 1971.

Economist Review. Oil in the Middle East, No. 1. 1976.

U.N. Economic Survey for Asia Africa and Latin America 1966.

U.N. Monthly Bulletin of Statistics November 1975-1971.

U. N. Statistical Yearbook 1968-1975.

U.N. World Economic Survey and, World Industrial Survey 1938-1961.

U.N. Yearbook of National Accounts Statistics 1969.

پیوست شماره ۱

نظریه‌های دانشمندان قرن نوزدهم

دانشمندان قرن نوزدهم براساس تحلیل علمی از فرایند اقتصاد سرمایه‌داری به بررسی روابط اقتصادی و سیاسی بین مستعمرات و کشورهای متروپل پرداختند. و در نامه‌ها و مقالاتی که در باره هند، چین و بویژه ایرلند، که مستعمرات انگلستان بود، نوشته شده‌آثار و پی‌آمدهای مختلف اقتصادی و اجتماعی استعمار را هم در کشورهای متروپل و هم در کشورهای مستعمره و وابسته مورد مطالعه قرار دادند.

درباره انقلاب ۱۸۵۱ چین و اثر آن بر کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری گفته می‌شود: همانگونه که در برابر سلاحهای انگلیسی قدرت سلسله منجواز هم پاشید، ایمان خرافاتی به جاودانه بودن امپراطوری آسمانی فرو ریخت. و به جدائی کامل که شرط نخستین حفظ چین کهن بود توسط انگلستان بشکل خشونت‌آمیزی پایان داده شد انقلاب چین نیز بنوبه خود بر انگلستان و از آن طریق بر اروپا اثر خواهد گذاشت (نیویورک دیلی تریبیون ژوئن ۱۸۵۳).

چاپ کتاب حاضر مدتهای طولانی تعللی که در اختیار ما نبود بدرا را کشید. در این فاصله نکاتی برای روشن شدن بیشتر مطالب بسطر رسید که امید است در چاپ بعدی به تفصیل در باره آنها صحبت شود و در اینجا بی‌مناسبت نیست که در باره بعضی از آنها اشاره‌ای بشود.

ضمن بحث دربارهٔ انقلاب ایرلند تاکید شده است که طبقه کارگر انگلیس فقط با آزادی مستعمرات می‌تواند به آزادی خود برسد. و استدلال می‌شود ضربهٔ اساسی علیه طبقات حاکم انگلیس نه در انگلستان که در ایرلند وارد خواهد شد. (نامه به میرآوریل ۱۸۷۰).

آنها عمیقاً معتقد بودند که سیاست احزاب و سازمانهای کارگری کشورهای متروپل در مستعمرات باید براساس حق تعیین سرنوشت ملت‌های اسیر جهت‌گیری شود. مثلاً در بارهٔ موضع کارگران انگلیسی در مورد ایرلند گفته می‌شود. که از آنها باید خواسته شود که تقاضای لغو اتحادیهٔ انگلیس و ایرلند را بنمایند. بنظر آنها این تنها شکل حقوقی و بنابراین شکل ممکن آزادی ایرلند بود که می‌توانست در برنامه یک حزب کارگران انگلیس گنجانیده شود (نامه ۳۰ نوامبر ۱۸۶۷).

آنان به نقش غارت و استثمار مستعمرات در ایجاد لایه‌های اربستو-کراسی کارگری در کشورهای پیشرفته و فرمیسم بمثابه یک جنبش انحرافی بین کارگران توجه زیادی نشان دادند. مثلاً در فقر فلسفه هنگام بحث دربارهٔ رفاه نسبی کارگران انگلیسی گفته می‌شود که برای ایجاد رونق صنایع نساجی انگلستان (آنهم سه سال از ده سال) و رفاه بیشتر ۱/۵ میلیون کارگر انگلیسی که در آن رشته کار می‌کنند باید میلیون‌ها کارگر در هند شرقی بهلاکت رسند.

انگلیس در نامه‌ای به کائوتسکی از ایدهٔ ثلوزی حاکم بر طبقه کارگر انگلیس انتقاد کرده و طرز تفکر کارگران انگلیسی را در بارهٔ سیاست مستعمراتی دقیقاً همانند طرز تفکر بورژوا مآبانه آنها دربارهٔ سیاست می‌داند. (سپتامبر ۱۸۹۲).

آنها دربارهٔ اثر غارت مستعمرات در انباشت اولیه به بحث پرداخته (سرمایه جلد اول) و استدلال می‌کنند علت صدور سرمایه بکشورهای دیگر نه فقدان محل مصرف آن در کشور مبدأ بلکه امکان کسب سود بیشتر در کشورهای دیگر است (سرمایه جلد سوم). و با آینه نگری و ژرف بینی به

تجارت جهانی بمثابة یکی از وسائل مهم کسب سود فوق العاده که از منابع
 استثمار امپریالیستی است می نگرند (سرمایه جلد سوم).
 از توضیحات بالا چنین مستفاد می شود که دانشمندان بزرگ قرن—
 نوزدهم تا چه اندازه بدرستی به سیر تکامل عمومی استعمار، اثر آن بر
 مستعمرات، اثر انقلاب سرزمین های مستعمره بر کشورهای استعمارگر، اثر
 غارت مستعمراتی در پیدایش لایه های اصلاح طلب و سازشکار در جنبش
 کارگری و بویژه علت صدور سرمایه و تا حدی به مگانیزم تجارت جهانی
 بمثابة یکی از وسائل استثمار کشورهای توسعه نیافته توجه داشته اند .

پیوست شماره ۲

تمدن اروپائی

از مبانی جدائی ناپذیر تمدن اروپائی فردگرایی است. گرچه دموکراسیهای پارلمانی بسیاری از آزادیهای اجتماعی و از آنجمله حق رای در انتخابات آزاد را به انسان داده است، و اگرچه انسان در گزینش راه و رسم خود و تعقیب هدفها و کسب نیازهای خود بظاهر آزاد است و هرکسی می تواند از طریق اتحادیهها، حزبها، سازمانهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با هم طبقه و هم فکران خود پیوند داشته باشد، ولی سرمایه با تبدیل نیازهای خود به نیازهای همه افراد جامعه، از آنجمله زحمتکشان، آنها را متناسب هدفها و گرایشهای خود شکل داده و برای استثمار شدن و قبول بندگی سرمایه آماده شان می سازد. بدینسان دیکتاتوری سرمایه با قلب روحیات مردم زحمتکش و بیگانه کردن آنها نسبت به خود و نوع به فرمانروائی اش دوام و قوام می بخشد، و شاید یکی از علل مهمی که موجب شده است بینش علمی نتواند در زادگاه اصلی اش (اروپای غربی) بسلاح عملی و دگرگون سازی برای جانشین سازی سرمایه داری با جامعه گرایی درآید دموکراسی در ظاهر و اعمال دیکتاتوری از راه مسخ وجدان تودهها بوده است. این نوع دیکتاتوری معمولاً بسیار طولانی تر و پردوام تر از نظامهای استبدادی و از آنجمله استبداد آسیائی است.

همانگونه که می دانیم بینش علمی تنها در کشورهای عقب مانده ای نظیر روسیه و چین بموفقیت های زنده و عملی دست یافته است. و مسلماً از علل مهم آن صرف نظر از استادی و درک عمیق هواداران این بینش از گوهر نظریه پاکی وجدان زحمتکشان از تیره گیها و زنگارهای تمدن اروپائی یعنی دموکراسی بورژوازی بوده است.

پیوست شماره ۳

وابستگی اقتصادی

نظریه "وابستگی اقتصادی" به مفهومی که اینروزها بکاربرده می شود دارای اثری گمراه کننده است. استنباط نادرستی از این نظریه بین هواداران بینش علمی در کشورهای در حال توسعه و پیشرفته رواج یافته و بتدریج به صورت حقیقتی عام و مسلم درآمده است.

اگر مراد از "وابستگی اقتصادی" ارتباط ارگانیک و بهم پیوسته بازارهای ملی سرمایه داری با هم و تبعیت اقتصادهای کوچک و سرمایه های کوچک از سرمایه های بزرگ و انحصاری، و بازارها و کشورهای کوچک از کشورهای بزرگ باشد مسلماً "این وابستگی وجود دارد زیرا اصولاً اقتصاد سرمایه داری و بازار جهانی سرمایه بدون وابستگی های اقتصادی و اجتماعی، و حتی درزمینه های، نظامی غیرممکن است.

و البته در روند روابط و پیوندهای اقتصادی اقتصاد کشورهای ضعیف خواه ناخواه تابع اقتصاد کشورهای نیرومند خواهد شد.

اما اگر مراد از "وابستگی اقتصادی" و "سرمایه داری وابسته"، همانگونه که مورد نظر هواداران این نظریه است، این باشد که اقتصاد کشورهای ضعیف تر سرمایه داری و سرمایه های کوچک تر هرگز نخواهد توانست خود را از زیر یوغ و اسارت کشورهای نیرومندتر و سرمایه های انحصاری برهبری بورژوازی بومی آزاد سازد، چنین مفهومی از سرمایه داری وابسته مکانیکی، از نظر علمی بی اعتبار و از لحاظ سیاسی زیان بخش است.

زیرا اولاً "تقسیم نظامهای سرمایه داری به سرمایه داری مستقل یا

ناوابسته و سرمایه‌داری وابسته حشوزائد است. نظام سرمایه‌داری از همان ابتدای رشد براساس تقسیم کاریکه در جامعه ایجاد می‌کند بین رشته‌های مختلف تولید، بازارهای محلی و مناطق یک کشور و سپس از طریق تقسیم‌کار بین‌المللی و ایجاد بازار جهانی سرمایه بین بازارهای مختلف کوچک و بزرگ ملی رشته‌های تولیدی در سطح جهانی وابستگی جدائی‌ناپذیری ایجاد می‌کند. سرشت نظام سرمایه‌داری با خودپسندگی متضاد است. بدین مفهوم هیچیک از نظامهای ملی را نمی‌توان مستقل دانست.

ثانیا " ما به تجربه در کشورهای از جهان سوم که بویژه به " وابستگی " بامپریالیسم شهرت دارند می‌بینیم که چگونه در زیر زنجیر " وابستگی " اقتصاد ملی این کشورها رشد پیدا کرده (حتی در بعضی آنها سریعتر از هر کشور سرمایه‌داری با اصطلاح مستقل)، نیروی‌کار بکالا تبدیل شده، سرمایه‌های عظیمی انباشت شده و کشور بعلت رشد سریع ولجام گسیخته روایست سرمایه‌داری در بحران عمیق و گستردهای فرورفته است.

ثالثا " نظریه " وابستگی اقتصادی " از نظر سیاسی زیان‌بخش است زیرا بوسیله‌ای برای فریب زحمتکشان توسط لایه‌هایی از بورژوازی که از سیاست بورژوازی بوروکراتیک و انحصاری رنج می‌برد تبدیل شده است. این دسته از نمایندگان بورژوازی که بامهر " ملی " تطهیر یافته‌اند فریاد می‌زنند تمام بدبختیها و شکستها و فساد موجود ناشی از سیاست‌های غلط ضد ملی بورژوازی حاکم که وابسته بامپریالیسم است می‌باشد. اگر حکومت بدست جناح دیگر بورژوازی بیفتد که " ملی " و " دموکراتیک " است بدون اینکه بااساس تولید و گردش کالائی لطمهای وارد شود، اقتصاد کشور سروسامان خواهد یافت به همه بدبختیهای اجتماعی بالهام از ماوراء الطبیعه و علوم آسمانی پایان داده خواهد شد و مدینه فاضله با اجرای یک رشته سیاست‌های ضد سرمایه خارجی از آنجمله ملی‌کردن سرمایه‌ها و اخراج کارشناسان خارجی وهم چنین عقلائی کردن تولید و صرفه‌جویی در بودجه ملی ساخته خواهد شد.

اما از هم‌اکنون برای کسانی که کوشش دارند مسائل اجتماعی را براساس
 بهینش علمی تجزیه و تحلیل کنند روشن است که تا زمانیکه نظام سرمایه -
 داری در کشوری حاکم است، صرف‌نظر از اینکه چه جناحی از سرمایه‌داران
 رهبری دولت را بدست داشته باشند، بازار ملی آن کشور جزئی از بازار
 جهانی سرمایه باقی خواهد ماند و بادت بدست شدن دولت بین‌جناح -
 های مختلف بورژوازی تنها ممکن است در نحوه تقسیم ارزش اضافی حاصله
 در یک کشور با شرکای خارجی بسود بورژوازی میزبان تجدیدنظر بعمل آید.
 همه می دانیم که پس از انقلاب مصر و روی کار آمدن حکومت نظامیان
 ملت‌گرا عدای از نظریه پردازان "بین‌المللی" کوشیدند جامعه تازه‌ای برای
 دولت تازه بدوزند. آنها با زیرپا گذاشتن هر نوع ضابطه علمی و با نقل‌گفته
 های پراکنده نحوه ساختمان جامعه مصر را راه غیر سرمایه‌داری تکامل اقتصاد
 ملی نامیدند. امروز برای همه کسانی که بمسائل جهان عرب علاقه‌مندند
 روشن شده است که مفهوم این باصطلاح راه غیر سرمایه‌داری چیست. نمایندگان
 "سرمایه‌داری مستقل" مصر در راه‌سازش با اسرائیل و امپریالیسم تا آن حد
 پیش رفتند که نظامات باصطلاح "وابسته" عربستان سعودی و اردن از
 تأیید آن شرم دارند.

هم‌چنین حوادثی که در چند سال گذشته در کشورهای سوریه و عراق
 اتفاق افتاده نشان داده است رژیم‌های بعثی کشورهای نامبرده در سرکوبی
 جنبش‌های خلق (کردها در عراق و فلسطینی‌ها در لبنان)، آزار و تعقیب
 میهن پرستان و آمادگی برای مشارکت با سرمایه‌های امپریالیستی دست‌کمی
 از نظام‌های "وابسته" نداشتند.

J. S. A.
 Denton

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

بازنگیر از

سازمان دانشجویان ایرانی در امریکا

(هوادار سازمان جریکهای فدایی خلق ایران)